

دکتر قو کاسیان

## مذهب آرامنه در عهد باستان

درباره چگونگی معتقدات دینی آرامنه در بدو تشکیل کشور ارمنستان اطلاعات چندانی روشن در دست نیست بنابه گزارش «مارکنی» مذهب این قوم نیز مانند سایر اقوام وهم نژاد آریائی بر مبنای پرستش قوای طبیعت استوار بوده است. تا اینکه این اعتقادات بتدریج جای خود را به خدایان و قهرمانان ملی دادند و در اندیشه آنان بصورگوناگون راه یافتند.

خدایان و قهرمانان افسانه‌ئی ارمنستان از میتولوژی یونان، روم و ایران گرفته شده و در حقیقت تمامی آنان دارای يك خاستگاه بوده‌اند.

معروفترین آن خدایان عبارت بودند از:

«آرامازد» **Aramazd** یا پدر خدایان که آرامنه تحت تأثیر «پارت‌ها» به آن اعتقاد فراوان داشتند چرا که زمین و آسمان را او آفریده بود وهم او وفور نعمت و برکت را بزمین ارزانی داشته بود. «آرامازد» در میتولوژی آرامنه بمنزله «ژئوس» یا ژوپیتر در تاریخ اساطیری روم بشمار میرفت.

معبد عمده پدر خدایان در شهر «آنی» بود. مردم پابین خدای مهربان، مهر و علاقه شدید میورزیدند و روزاول سال را که بنام «آمانور» میخواندند به او نخصیص داده بودند. بهمین مناسبت از نخستین روز سال تا هفت روز در سراسر مملکت جشنها و مجالس شادی و سرور پیامی کردند و از اطراف ارمنستان برای عبادت و زیارت باهدایای زیاد به آن مکان مقدس میرفتند. از چهار سوی ارمنستان ترانه خوانان دوره گرد (گوسان)، شاعران، رامشگران و خنیاگران و عموم طبقات بدانجا رهسپار میشدند

و ضمن ادای مراسم دینی بپایکوبی و دست افشانی مشغول می‌گشتند :

«آناهید» **Anahid** پس از «آرامازد» این الهه از دیگر خدایان محبوب‌تر بود . «آناهید» الهه باروی و پزشکی محسوب میشد . مردم در هنگام بیماری با اعتقاد زیاد به عبادتگاه او می‌شتافتند تا شفا یابند .

«واهاگن» **Vahagon** . خدای جنگ و شجاعت بود . هم او بود که فتح و پیروزی را نصیب سر بازان مینمود .

«واهاگن» همچنین خدای عشق، آتش و آفتاب نیز بشمار میرفت معبد و در شهر «آشتی‌شاد» بود و روز بیست و ششم هر ماه به این خدا تعلق داشت .

«استخیک» **Astkhik** . به الهه عشق و زیبایی معروف بود . معبدش در کنار دیگر خدایان قرار داشت . این الهه همسر خدای جنگ و شجاعت بود .

«میهر» **Mihr** یا مهر . این خدا که در تاریخ اساطیری ارامنه مبداء ایرانی دارد در سرزمین ارمنستان محبوبیت قابل توجهی پیدا کرده بود . «موسیس خوره ناتسی» و «یقیشه پارماگیر» که هر دو از مورخین نامی ارامنه بودند در کتب تاریخی معتقدند که «میهر» در نزد ایرانیان بخدای وفاداری معروف بوده است و به همین لحاظ شاید در نزد ارامنه نیز همان مقام را داشته است . این خداهم دارای عبادتگاه خاص بود و روز معینی به او اختصاص داده بودند .

«تیر» **Tir** . این خدا همچنان مبداء ایرانی داشت منشی «آرامازد» و حامی شعر محسوب میشد . در معبد او آتش خاموش ناشدنی روشن بود . هیکلش راهمیشه در حالیکه نیزه بردست داشت نمایان می‌ساختند .

«ژرژ پرائدس» در یکی از تألیفاتش بنام «ارمنستان و اروپا» در خصوص میتولوژی ارامنه چنین مینگارد :

« هنگامیکه ارمنستان » رسماً بدین مسیح در آمد نه تنها معابد خدایان کهن ویران گردید بلکه کلیه افسانه‌هایی را نیز که به آنان نسبت میدادند بفراموشی سپرده شد. ولی آنچه مسلم است قوم ارمنی دارای روحی غنائی بوده وهم از اینجهت «میت»های متعددی در جامعه آنان نفوذ کرده است وشاعران و نویسندگان عصر قدیم وهمچنین معاصرین در طی اساطیر و افسانه‌های روایی آنان منبع بیکرانی از الهام برای خلق شاهکارهای ادبی خود یافته‌اند. همچنانکه میتولوژی یونان سبب وجود آمدن آثار گرائیتهایی چون « آندروماک » « ایفی ژنی » ، « فدر » و غیره گردیده است .

مهمترین مکان مقدس خدایان ارمنه در شهر « آشتیشار » ارمنستان بود. در آنجا در جنگلی بزرگ معابد سربفلك کشیده دیده میشد که پرشکوهترین آنها عبادتگاهی بود که به « آناهید » موسوم بود و مجسمهٔ طلائییش را در آنجا نصب کرده بودند. میگویند وقتی که سپاهیان «مارکوس آنتونیوس» ارمنستان رامسخر ساخت سر بازی که نخستین بار دست بر روی این مجسمه نهاد بلا درنگ کور شد.

معابد خدایان از باغات وسیع احاطه شده بود و در فضای آن باغات حیوانات مقدس از قبیل کبوتران و آهوان با گردن بندهای طلائی می چربیدند. « رافی » نویسنده شهیر ارمنی در داستان تاریخی معروف خود « سامول » یکی از جشنها را که در روز اول سال بخاطر خدایان در کنار معابد برگزار میشد چنین توصیف میکند. « ... سلطان ارمنه چهره مینمود ، آنگاه رؤسای بتکده وزعمای قوم پدیدار میشدند. سلطان با دست خود عید بزرگ قربانی را باذبح یکصد گاو سفید و تعدادی آهوی طلائی رنگ در پیشگاه خدایان افتتاح میکرد. سال نو زندگی نوهمراه داشت. مردم سعی میکردند که در آن روز تمامی موفقیت‌هایی که در سال گذشته بدست آورده بودند بخدایان خود عرضه کنند چرا که « واهاگن » دلاوری میطلبید ، « آناهید » فضل و

هنر میخواست و «آستخیک» شعر و عشق... آنگاه در پیشگاه خدایان بازی ها ، هنر نمائیها و مسابقات شروع میشد. شعرا بقرائت شعرهائی که سروده بودند میپرداختند و نوازندگان بنواختن ساز . پهلوانان زور بازوان خویش را میازمودند و خلاصه هر کس بنحوی به هنر نمائی میپرداخت . برندگان به دریافت جایزه و تاج گل نائل میشدند تا جایی که با آنها معابد نورانی خدایان را میاراستند. رئیس معبد آب مقدس میگرفت و با آب پاش طلائی بروی مردم میپاشید . زوار بتأسی از او بروی یکدیگر آب میپاشیدند و هر کدام از آنها کبوتری بهوا پرواز میدادند .

معبدها دارای ثروت سرشار و عایدات فراوان بودند و در آنجا هزاران خدمتگزار زن و مرد بکار مشغول بودند و از عایدات معبد و هدایای زوار زندگی می کردند .

بطور کلی در میتولوژی ارامنه از خدایان دیگر و همچنین ارواح پاك و پلید سخن فراوان بمیان آمده است . بت هائی بنام « گیانه » و « دیمر » یاد شده است . از ارواح معروف « ساندراست » یعنی روح دوزخ و « آراتر » یا « هارالتر » که هیکل سگ برایش تجسم می کردند می توان نام برد . تمامی اینان مظهر جاودانگی محسوب می شدند و بالیسیدن جراحات سربازان در میدان جنگ آنها را شفا و بهبودی می بخشیدند .

برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر و کاملتر از تاریخ اساطیری و افسانهئی خدایان ارمنستان در عهد باستان می توان بکتاب و آثار « عالیشان » ، « کیلزر » و « ساندالچیان » محققین ارمنی مراجعه کرد .

نگارنده امیدوار است در آتیه بتواند مقالات جامعتری در اینخصوص و بویژه در زمینه « میترائیسم در بین ارامنه » بخوانندگان دانشمند مجله ارمنان تقدیم نماید.